

علم أصول الفقه

١٠ اجماع ٩٣-٧-٢٨

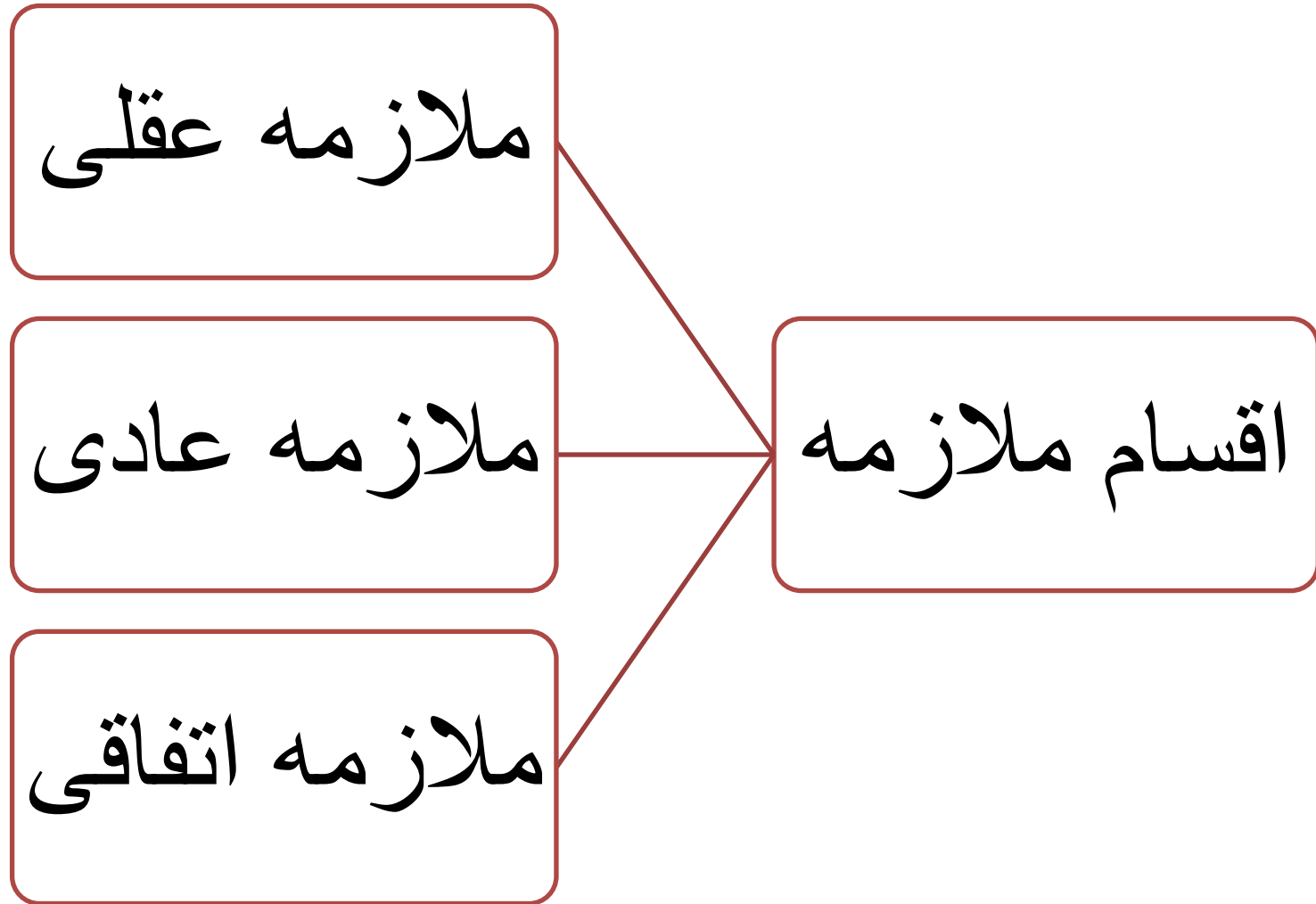
دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

• وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ (١) وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ (٢)
النَّجْمُ الثَّاقِبُ (٣) إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ (٤)



بين لازم و ملزوم
تلازم عقلي باشد

ملازمه عقلي

انفكاك لازم از
ملزوم در نظر
عقل محال نیست؛
امّا عادتاً و به
مقتضای
طبیعتشان، بینشان
تلازم وجود دارد.

ملازمه عادی

پیری ظاهری
(لازم)

طولانی شدن عمر
(ملزوم)

انفکاک لازم و
ملزوم استحاله
عقلی و عادی
ندارد، بلکه به
صورت اتفافی در
یک جا جمع
شده‌اند.

ملازمه اتفافی

عادی بودن ملازمه در بحث اجماع

- ملازمه بین **اجماع** و **وجود یک حجت** که به لحاظ سند معتبر و به لحاظ دلالت واضح است، **اتفاقی** است.

- تعبیر **حدس** که در اجماع حدسی می‌گویند، ناظر به همین نوع ملازمه است.

عادی بودن ملازمه در بحث اجماع

- در مقابل گفته‌اند ملازمه بین **تواتر** و **صدق، عقلی** است؛

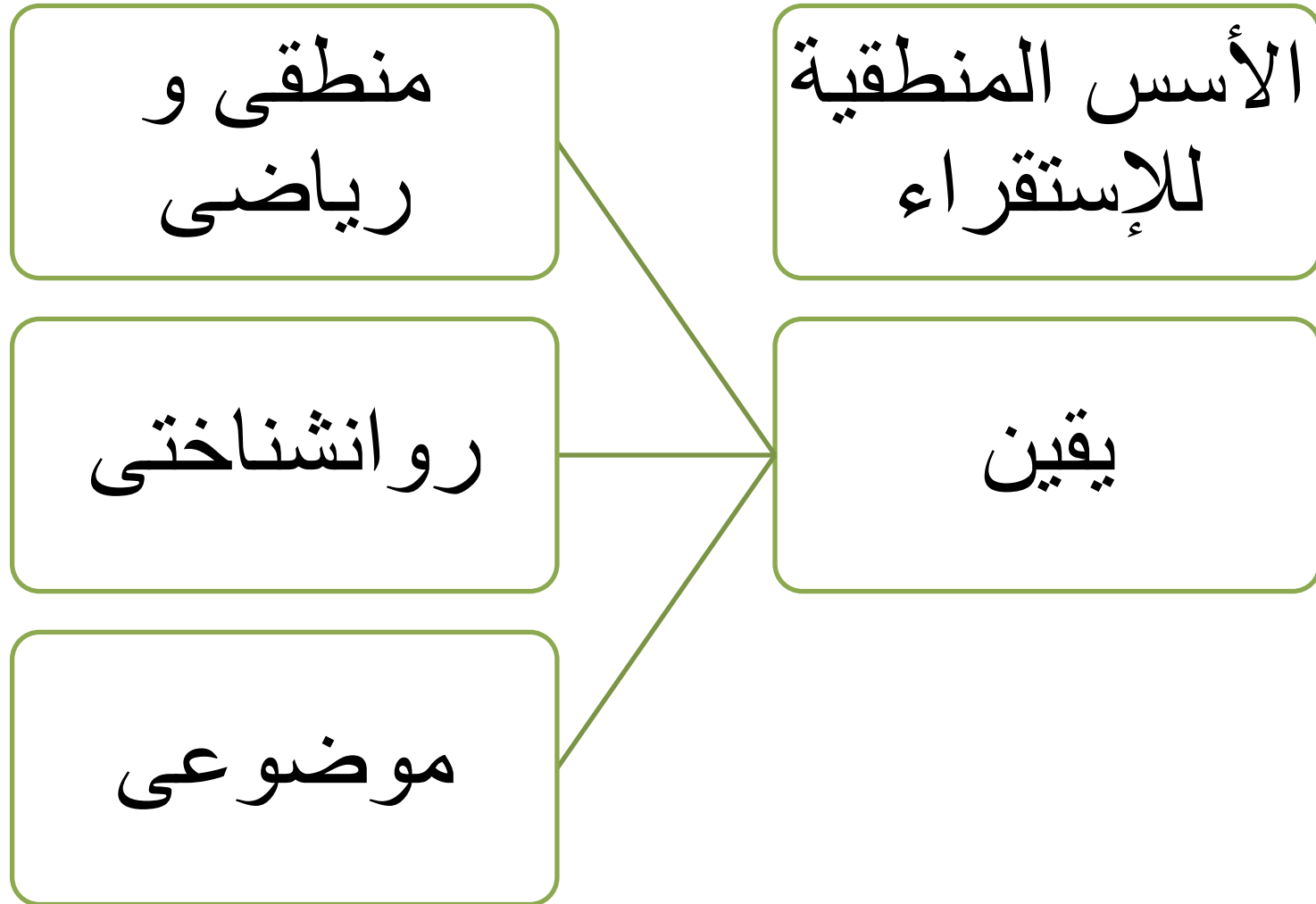
عادی بودن ملازمه در بحث اجماع

- شهید صدر
- بین **تواتر** و صدق ملازمه عقلی وجود ندارد
- معیاری که باعث حجیت **تواتر** می شود و **صدق** مطلب متواتر را از طریق آن کشف می کنیم، همان **حساب احتمالات** است که نوعی ملازمه **عادی** را به دنبال دارد.

عادی بودن ملازمه در بحث اجماع

- شهید صدر
- اجماع هم همین طور است
- ملازمه بین **اجماع** و **وجود یک حجت** که به لحاظ سند معتبر و به لحاظ دلالت واضح است، **عادی** و بر اساس **حساب احتمالات** است.

عادی بودن ملازمه در بحث اجماع



عوامل کاهش روند تجميع احتمالات در اجماع

1. میزان حدسی یا حسی بودن

2. مصب اجماع و تواتر

3. تأثیرپذیری ناقلین یا مجمعین از یکدیگر

4. تعداد عوامل خطا

تفاوت اجماع و تواتر
در بحث حجیت

عوامل کاهش روند تجميع احتمالات در اجماع

الف. ساده یا پیچیده بودن مسأله

ب. فاصله زمانی فقیه با روزگار معصومین - علیهم السلام -

ج. میزان تخصص مجتهد

عوامل افزایش یا کاهش دخالت حس در فتوا

عوامل کاهش روند تجميع احتمالات در اجماع

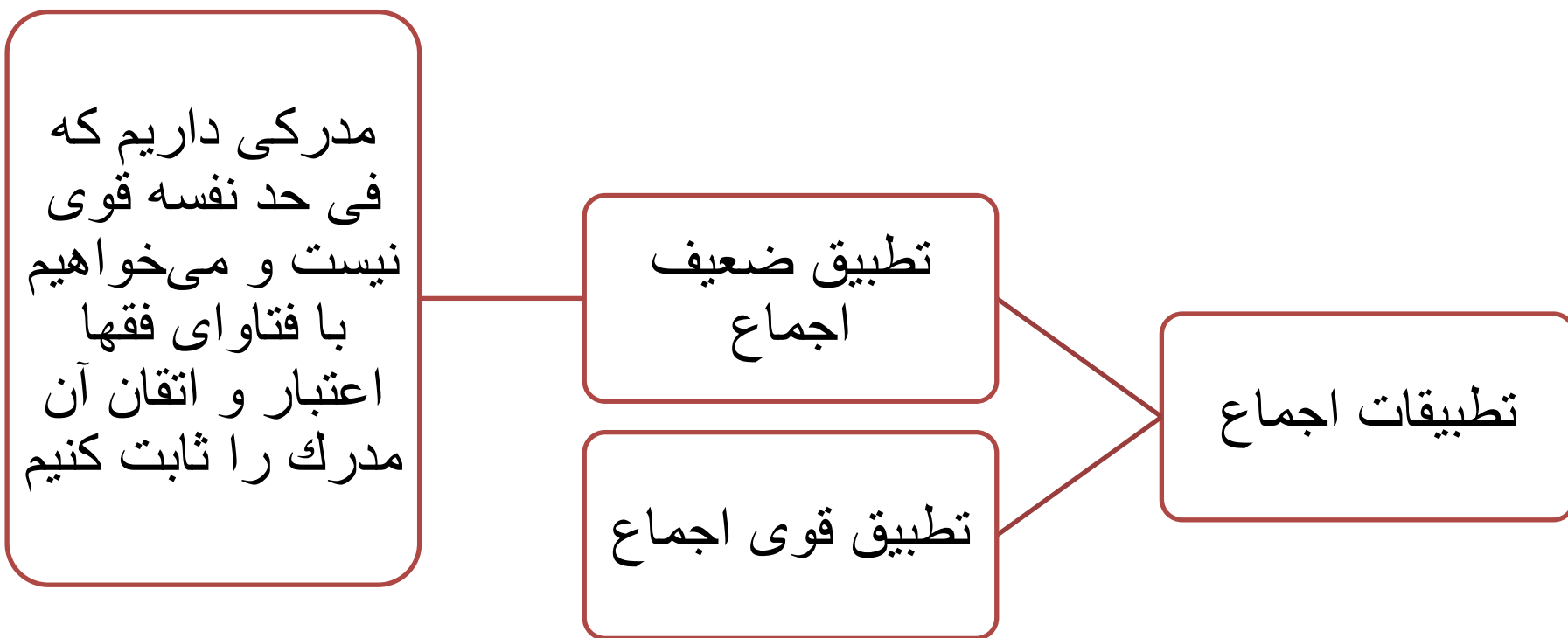
- عوامل افزایش یا کاهش ارزش احتمالی فتوا

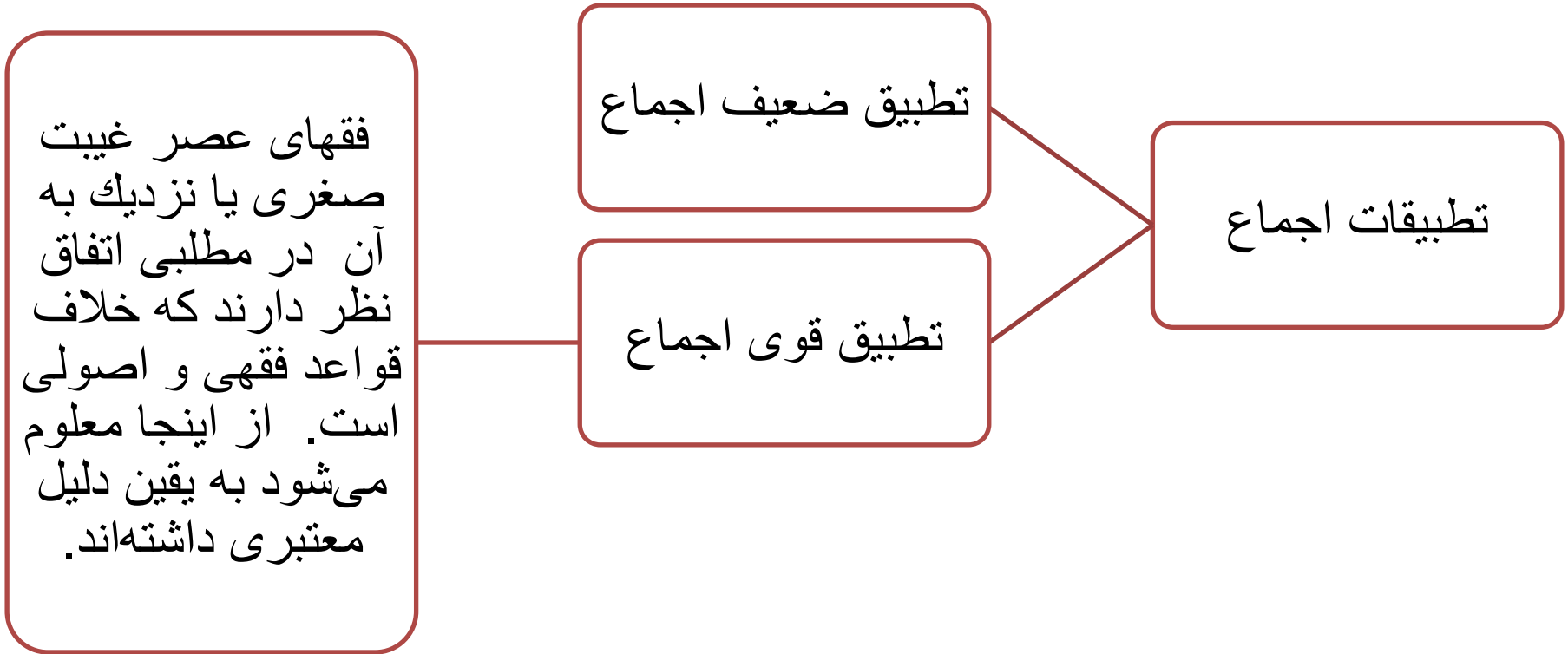
$$\text{ارزش احتمال مطابقت فتوا با واقع} = \frac{\text{میزان تخصص فقیه}}{\text{میزان احتیاج مسأله به قواعد اصولی و اجتهادی} \times \text{قرنی که فقیه در آن زیسته است}}$$

تطبيق ضعيف
اجماع

تطبيق قوى
اجماع

تطبيقات
اجماع





شبّهات مطرح در بحث اجماع

1. تأخر زمانی فقها
از اهل البيت ع

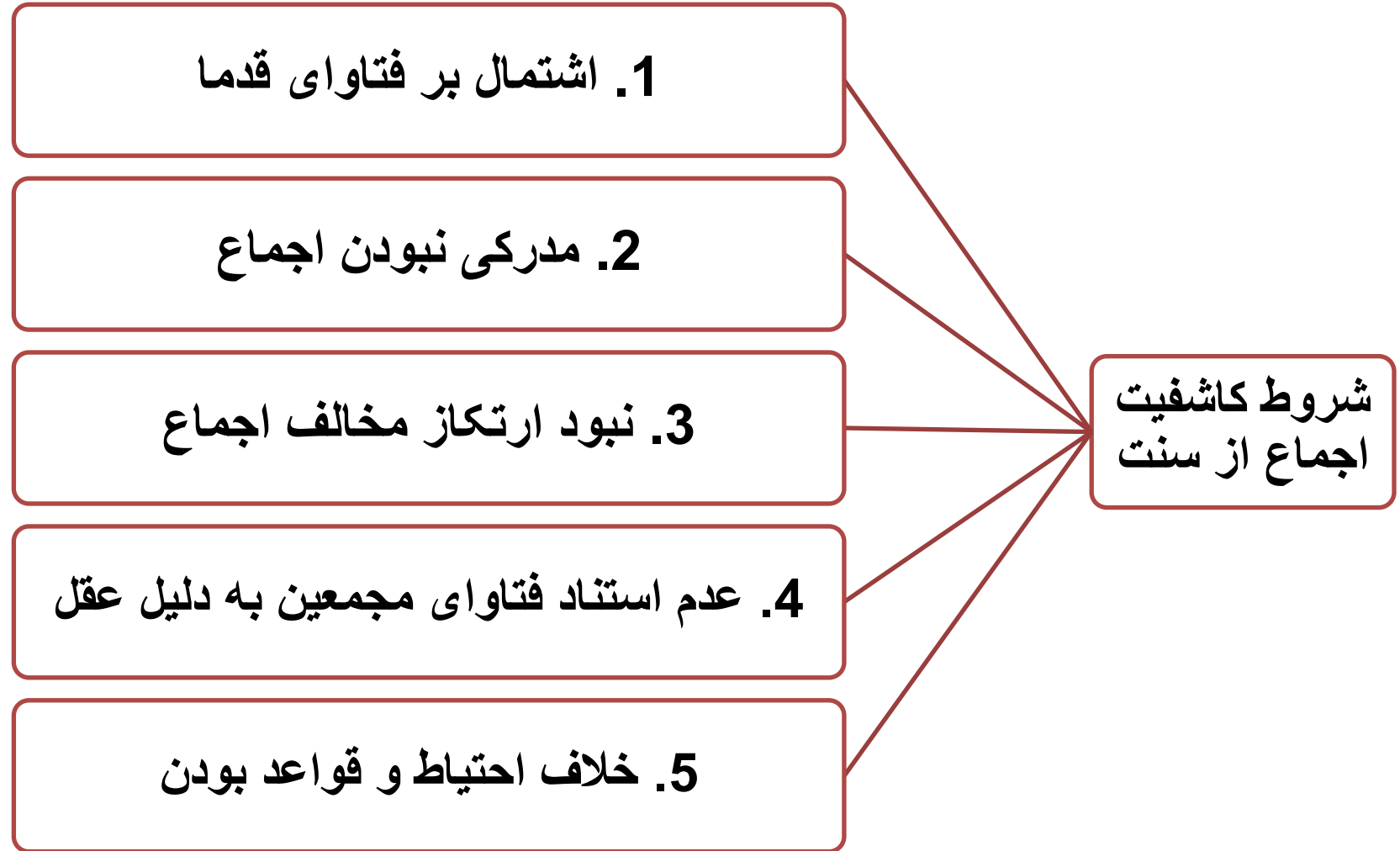
2. چرایی نقل
نکردن مستند

3. منبع مستقل
بودن اجماع

4. عدم امکان
تحصیل اتفاق کل

شبّهات مطرح در
بحث اجماع

شروط کاشفیت اجماع از سنت



بسيط

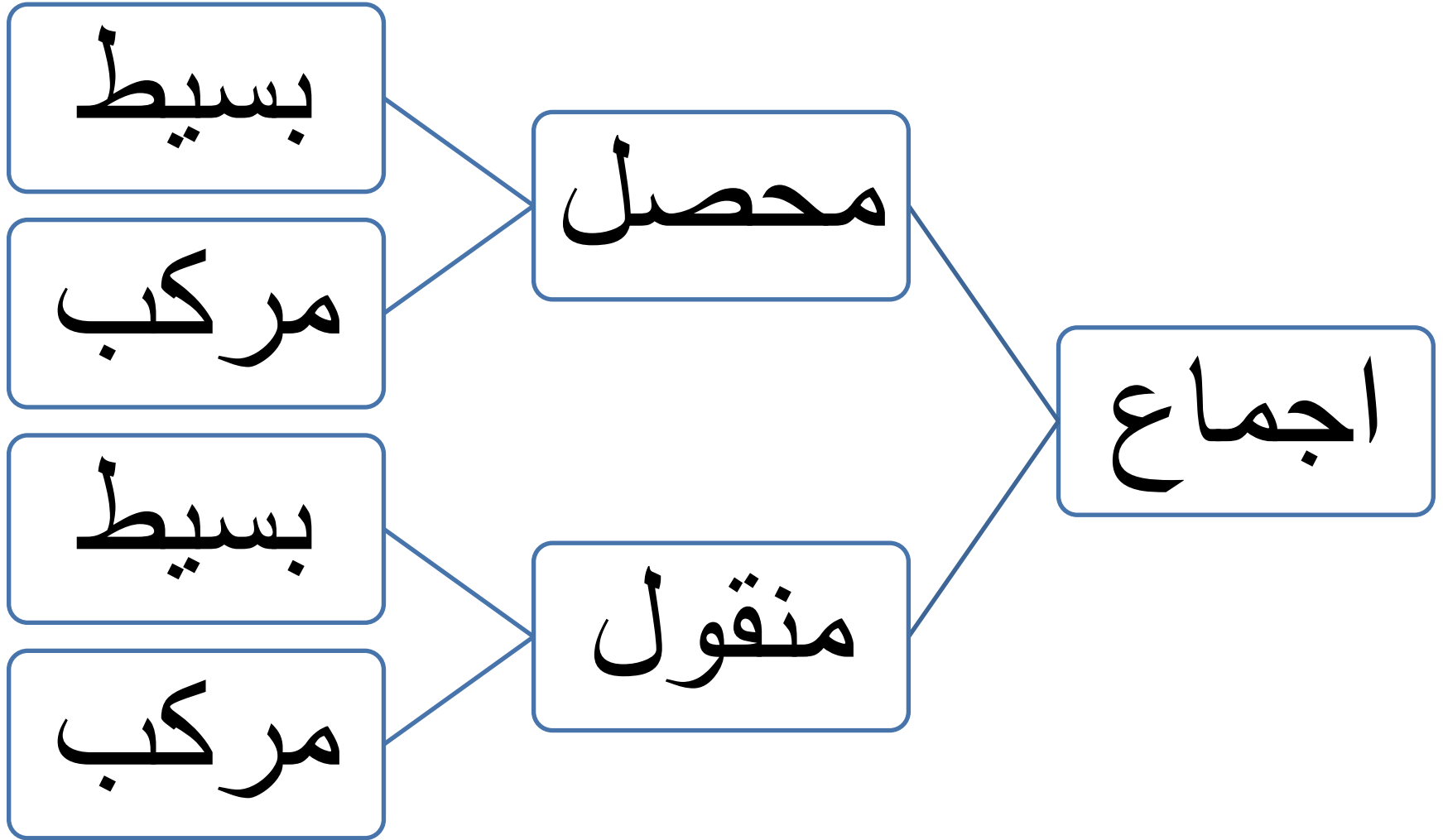
مركب

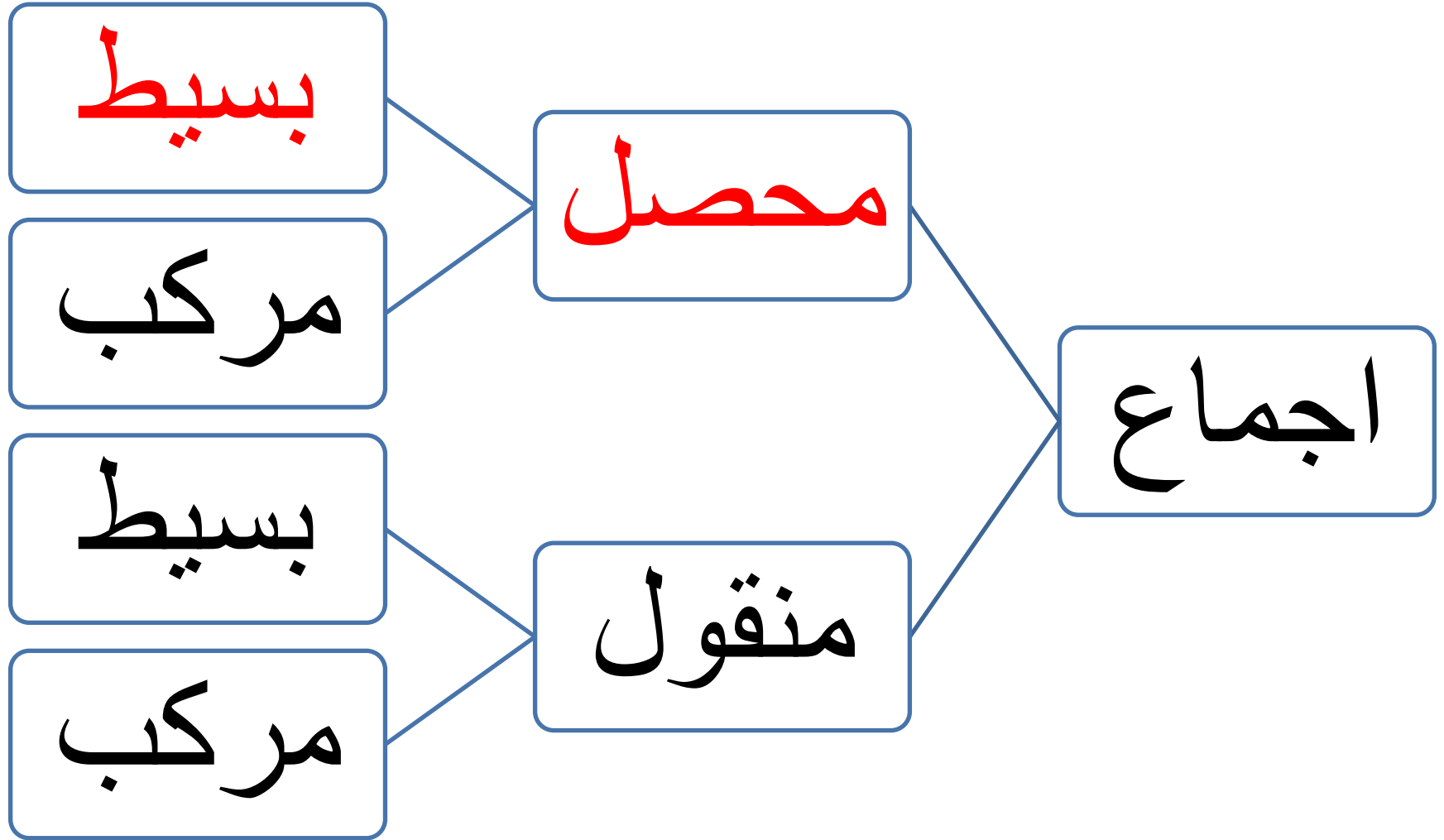
اجماع

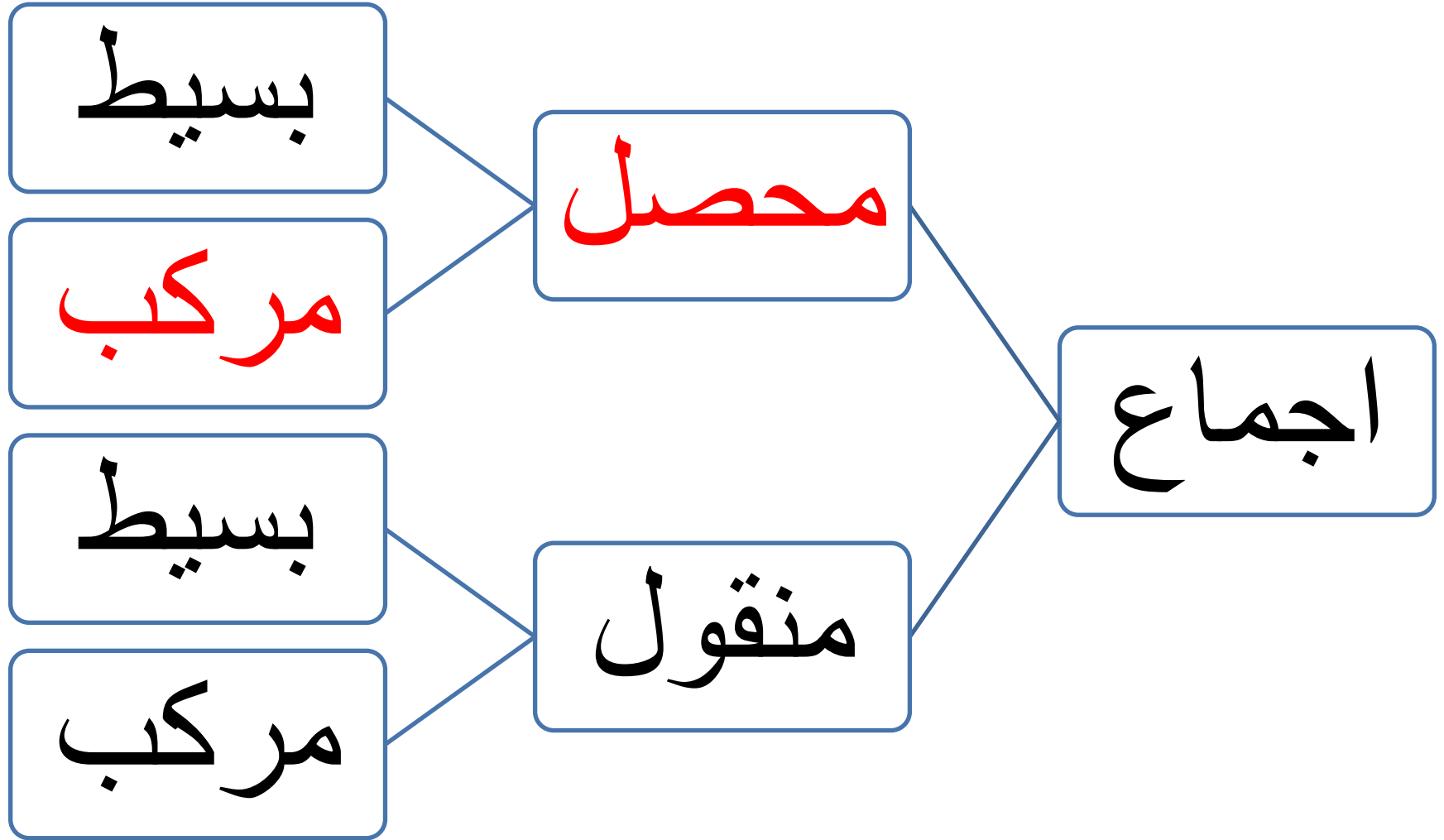
محصل

منقول

اجماع







اجماع محصل مرکب

- اجماع مرکب آن است که فقها در یک مسأله دو یا چند رأی دارند و در عین حال رأی دیگری هم متصور است که هیچ یک از فقها به آن فتوا نداده‌اند.

اجماع محصل مرکب

- عدد در اینجا موضوعیت ندارد، بلکه معیار این است که فقها چند رأی دارند و یک رأی دیگری هم محتمل است که هیچ یک از فقها آن را انتخاب نکرده‌اند؛ برای مثال در مورد **نماز جمعه** یکی می‌گوید **واجب تعیینی** است. دیگری می‌گوید نماز جمعه **واجب تخییری** است و سومی می‌گوید نماز جمعه اصلاً در عصر غیبت تشریح نشده است و **جایز نیست**.
- در همین فرض هیچ یک از ایشان نگفته‌اند نماز جمعه **مستحب** است.

اجماع محصل مرکب

- در این صورت می‌گوییم گرچه این دو دسته از فقها خودشان با هم اختلاف رأی دارند و اختلافشان هم زیاد است، در این نقطه با هم اشتراک دارند که نماز جمعه مستحب نیست؛ به عبارت دیگر مجمعیین آراء مختلفی دارند که در کنار هم قرار گرفته‌اند و همه در نفي رأی ثالث مشترک‌اند؛ البته نه اینکه دو رأی مختلف آن‌ها در بخشی مشترک باشند.

اجماع محصل مرکب

- کسی کہ می گوید واجب تعیینی است، به دلالت التزامی می گوید مستحب نیست و کسی کہ می گوید مشروعیت ندارد، به دلالت التزامی می گوید مستحب نیست و سومی هم کہ می گوید واجب تخیری است، به دلالت التزامی می گوید مستحب نیست.

- آیا این نوع اجماع کہ در واقع اخذ به لازم سخن مجمعین است حجیت دارد؟

اجماع محصل مرکب

- گاهی فقہا متعرض آن رأی محتمل می شوند؛ ولی انتخابش نمی کنند و به صراحت می گویند که آن رأی غلط است. اگر این طور باشد، اصلاً اجماع مرکب نیست، بلکه اجماع بسیط است؛ چون همه به نحو اجماع بسیط اتفاق نظر دارند که آن رأی محتمل باطل است؛

اجماع محصل مرکب

- برای نمونه فرض کنید در مثال قبل همه فقها متعرض مسأله استحباب شده‌اند و گفته‌اند: استحباب نماز جمعه به یقین باطل است و اگر تشریح شده باشد، به حتم یا واجب تعیینی است یا واجب تخیری.
- اگر این گونه باشد، معنی‌اش این است که همه این فقها اجماع دارند که نماز جمعه مستحب نیست و این خود مصداق اجماع بسیط است؛ اما معمولاً این طور نیست که به صراحت متعرض آن رأی محتمل شده و انکار کرده باشند.

اجماع محصل مرکب

- مبنای حجیت در اجماع محصل مرکب
- حجیت اجماع مرکب تابع مدرک ما در حجیت اجماع بسیط است. اگر مدرک حجیت در اجماع بسیط، قاعدة لطف باشد، اینجا هم لطف اقتضا می‌کند، خداوند - تبارک و تعالی - این اجماع را بشکند و مخالفت خود را با این رأی مجمع علیه ابراز کند. پس اگر مخالفتی پیدا نشود، معلوم می‌شود نماز جمعه مستحب نیست. در آن بحث گفتیم قاعدة لطف در اجماع قابل تطبیق نیست.

اجماع محصل مرکب

- اگر حجیت اجماع از باب دخول امام - علیه السلام - در بین مجمعین باشد، در اینجا هم همان ملاک اقتضای حجیت خواهد داشت؛ بنابراین اگر احراز کردیم که امام معصوم - علیه السلام - در زمرة یکی از این چند گروه فقها در اجماع مرکب است، به هر حال نماز جمعه را مستحب نمی‌داند. در نقد این مبنا گفتیم تحقق اجماع دخولی یک احتمال صرف است و وقوع خارجی آن تقریباً متصور نیست.

اجماع محصل مرکب

- ما گفتیم در هر فتوایی یک ارزش احتمالی وجود دارد و وقتی فتاوا کنار هم قرار می‌گیرند، این ارزش احتمالی تقویت می‌شوند و گاهی در اثر تجمیع این احتمالات، ارزش احتمالی فتوا به حد اطمینان و یا حتی به یقین می‌رسد که البته حصول اطمینان و یقین خیلی نادر است. آیا می‌شود از همین بحث احتمالات در اجماع محصل مرکب استفاده کرد؟

اجماع محصل مرکب

- شهید صدر - رضوان الله علیه - می فرماید مشکلی که در اینجا وجود دارد این است که یقین داریم بعضی از این فتاوا مخالف با واقع است؛ زیرا نماز جمعه نمی تواند هم حرام باشد و هم واجب یا هم واجب تعیینی باشد و هم واجب تخییری؛ البته ممکن است همه این فتاوای هم باطل باشند و هر سه گروه اشتباه کرده باشند.

اجماع محصل مرکب

- بنابراین بعضی از این آراء با توجه به تعارضی که دارند، اصلاً در مقام تجمیع احتمالات، ارزش احتمالی ندارند؛ هر چند فی حدِّ نفسه و به تنهایی از یک ارزش احتمالی برخوردارند؛ یعنی اگر مثلاً فتوا به وجوب تعیینی نماز جمعه را به تنهایی در نظر بگیریم، مثلاً ۶۰٪ احتمال دارد که مطابق با واقع باشد یا اگر فقط فتوا به وجوب تخیری نماز جمعه را در نظر بگیریم، مثلاً ۶۰٪ احتمال دارد مطابق با واقع باشد یا اگر فقط فتوا به حرمت نماز جمعه را در نظر بگیریم، مثلاً ۶۰٪ احتمال دارد مطابق با واقع باشد و در هر سه صورت معنایش این است که ۶۰٪ احتمال دارد که نماز جمعه مستحب نباشد؛

اجماع محصل مرکب

- ولی وقتی این فتاوا را کنار هم در نظر می‌گیریم؛ یعنی این ۶۰٪ ها را کنار هم می‌گذاریم، به جای اینکه احتمال تقویت شود و مثلاً بگوییم حالا ۸۰٪ احتمال دارد، نماز جمعه مستحب نباشد، به عکس تضعیف می‌شود؛ چون ما در این صورت یک علم اجمالی به بطلان پیدا می‌کنیم و می‌گوییم به یقین از این سه رأی، دو رأی باطل و خلاف واقع هستند.

اجماع محصل مرکب

- در این صورت خود همین آراء همدیگر را نفی می‌کنند؛ مثلاً اینکه می‌گویند واجب عینی است، آن دیگری را نفی می‌کند که می‌گویند اصلاً مشروعیت ندارد. بنابراین اجماع محصل مرکب روی مبنای حساب احتمالات هیچ وقت حجت نمی‌شود.

اجماع محصل مرکب

- آنها که می‌گویند نماز جمعه در نماز ظهر واجب تخییری است؛ ولی نماز جمعه ترجیح دارد و مستحب است که نماز جمعه را بخواند، این استحباب با استحبایی که در این بحث می‌گوییم و همان رأی محتمل نفی شده است، فرق دارد. استحباب محل بحث یعنی اینکه به خودی خود مستحب باشد نه در قیاس با عدل دیگر از واجب تخییری.
- بحوث فی علم الأصول، ج ۴، ص ۳۱۷.

اجماع محصل مركب

- . همان.
- . مبنای سید مرتضی - رضوان الله علیه - .
- . بحوث فی علم الأصول، ج ۴، ص ۳۱۷.